



**رسالت روحانیت در توسعه ی دینداری - با رویکرد به نظریات امام و رهبری -
مدظله - و شهید مطهری -**

پدیدآورده (ها) : اصغری، محمود

علوم اجتماعی :: پژوهش های اجتماعی اسلامی :: فروردین و اردیبهشت 1391 -
شماره 93

از 3 تا 32

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/957933>

دانلود شده توسط : مرکز مدیریت حوزه های علمیه-کتابخانه ایت الله بروجردی
تاریخ دانلود : 10/03/1395

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

www.noormags.ir

رسالت روحانیت در توسعه دینداری*

(با رویکرد به نظریات امام رهبری و رهبری (مدظله) و شهید مطهری ش)

□ محمود اصغری^۱



چکیده

در این مقاله سعی شده است به نقش و به تبع آن به انتظارات جامعه از حوزه در رابطه با توسعه دینداری، به عنوان یک استراتژی بنیادی و کارآمد، از دیدگاه امام خمینی ش و مقام معظم رهبری (مدظله) و با بهره‌گیری از نظریات شهید مطهری ش، که با یکدیگر تلفیق شده است و در نتیجه مجموعه‌ای منسجم را فراهم می‌سازد، پرداخته شود.

فرض ما در نوشتار بر این است که این انتظارات زمانی تحقق می‌یابد که حوزه‌ها بتوانند انتظارات امام و رهبری و شهید مطهری را در سه بخش انتظارات تحصیلی - علمی، رفتاری و تبلیعی تأمین کنند.

برای پاسخ‌گویی به این انتظارات، بی‌تردید حوزه‌های علمیه، سخت نیازمند توجه به اموری مانند برنامه‌ریزی صحیح و دقیق به امر آموزش، و نگاه

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۸/۲ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۱۰/۳.

۱. عضو پژوهشی دانشگاه علوم اسلامی رضوی

mahmood.asghari@razavi.ac.ir

پروسه‌ای به امر پژوهش و تحقیق و تولید علم و دانش دارند، تا از لابه لای منابع و متون دینی، افق‌های نوینی را به روی جامعه گشوده و با بصیرت و نواندیشی از آفت‌های تحجر و التقاط به دور بوده، و با پرهیز از دنیاگرایی و روی آوردن به دنیا، و تهذیب روح و روان از رذائل اخلاقی، و حشر و نشر با مردم پیام‌های دینی و معنوی را به شایستگی و به گونه‌ای جذاب و روح پسند مطرح نمایند، تا از این طریق به رشد شتابنده در عرصه‌ی توسعه‌ی دینداری دست یابند.

واژگان کلیدی: انتظارات، حوزه، امام خمینی علیه السلام، مقام معظم رهبری مدظله، مطهری علیه السلام، دینداری، جامعه، مردم.

مقدمه

دفاع از اسلام و حفظ میراث گرانبسنگ عالمان فرزانه‌ی حوزه‌ها، تعمیق، گسترش و توسعه، پویایی، بالندگی، تکامل این آثار و پاسخ‌گویی به مسائل مستحدثه جامعه و شبهات و سؤالات مردم، از جمله انتظارات به حق و به جایی است که می‌توان از حوزه‌ها همچون گذشته، که همواره در عرصه‌ی گسترش افق‌های معرفت دینی و نوآوری در ساحت علوم اسلامی و پاسخ‌گویی به پرسش‌های نوپدید و دفاع عالمانه از اندیشه‌ی الهی، درخشیده و در شاخه‌های گوناگون علوم دینی و عرصه‌های دانش بشری آراء و اندیشه‌های بدیع و ژرفی را آفریده‌اند، داشت.

از طرفی شکل‌گیری حکومت دینی در ایران اسلامی در مواجهه با حقایق عینی موضوعات، مسائل، نیازها، تقاضاها و پرسش‌های تازه‌ای را پیش روی عالمان دینی نمایان ساخته که انتظار پاسخ‌گویی به آن را دو چندان می‌کند. علاوه بر این انتظارات، در عصر حاضر با توجه به بیداری اسلامی در جهان اسلام و گسترش ارتباطات و حرکت به سمت جهانی شدن دین، توقع و انتظار به جا از حوزه‌های علمیه و عالمان دینی این است که با تمام توان از ظرفیت و

توانایی‌های خود در این عرصه استفاده نموده، زمینه‌ی نشر و تبلیغ دین و گسترش تربیت دینی را بهتر و بیشتر فراهم سازند.

این مقاله در بیان توقعات مردم و انتظاراتی که امام خمینی علیه السلام و مقام معظم رهبری (مدظله) و شهید مطهری علیه السلام از حوزه‌ها در توسعه‌ی دینداری دارند، در سه بخش، به شرح و تفصیل آن خواهد پرداخت.

بخش اول: انتظارات تحصیلی - علمی

از آن جا که دین مدعی اداره‌ی بشر و جامعه است و حوزه‌ها، به عنوان جایگاه دین‌شناسی و اسلام‌شناسی و نماینده‌ی مذهب، متکفل تفقه در دین و ارائه‌ی نظر از جانب شرع مقدس می‌باشند، باید به گونه‌ای در تحصیل و فراگیری علوم اسلامی کوشا باشند که علاوه بر حفظ موارث علمی، فقهی، فرهنگی و اخلاقی اسلام، از دستبرد حوادث روزگار، بر توسعه و وسعت و غنای آن نیز بیافزایند. امام خمینی علیه السلام در خصوص نقش عظیم حوزه‌ها در برآوردن چنین انتظاری در جهان تشیع می‌فرماید:

تردیدی نیست که حوزه‌های علمیه و علمای متعهد در طول تاریخ اسلام و تشیع مهم‌ترین پایگاه محکم اسلام در برابر حملات و انحرافات و کجروی‌ها بوده‌اند. علمای بزرگ اسلام در همه‌ی عمر خود تلاش نموده‌اند تا مسائل حلال و حرام الهی را بدون دخل و تصرف ترویج نمایند. اگر فقهای عزیز نبودند معلوم نبود امروز چه علومی به عنوان علوم قرآن و اسلام اهل بیت علیهم السلام به خورد توده‌ها داده بودند.

جمع‌آوری و نگهداری علوم قرآن و آثار احادیث پیامبر بزرگوار صلی الله علیه و آله و سنت و سیره معصومین علیهم السلام و ثبت و تبویب و تنقیح آنان در شرایطی که امکانات بسیار کم بوده است و سلاطین و ستمگران در محو آثار رسالت همه‌ی امکانات خود را به کار می‌گرفتند، کار آسانی نبوده است، که بحمدالله امروز نتیجه‌ی آن زحمات را در آثار و کتب با برکتی همچون کتب اربعه و کتاب‌های دیگر متقدمین و متأخرین از فقه و فلسفه، ریاضیات و نجوم و اصول و کلام و

حدیث و رجال، تفسیر و ادب و عرفان و لغت و تمامی رشته‌های متنوع علوم مشاهده می‌کنیم... (صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۲۱، ۲۷۴).

به اعتقاد امام روحانیت شیعه در طول تاریخ، همواره به حراست از منابع و متون دینی پرداخته است؛ چنانچه از همان ابتدا مرحوم شیخ مفید^۱ و سید مرتضی^۲ در برابر متکلمین معتزله و زیدیه، به دفاع از مبانی اندیشه‌ی شیعی می‌پرداختند و تا به امروز ارزش‌های دینی را پاس داشته و فرهنگ غنی شیعه را برای همه‌ی نسل‌ها به ارمغان آوردند.

استفاده‌ی بهینه از سرمایه‌ی حوزه‌ها

در راستای بهره‌وری از این گنجینه‌ی عظیم حوزه‌هاست که مقام معظم رهبری (مدظله) انتظار دارند علمای اسلام، همچون گذشته، در بی‌گشودن افق‌های جدید علمی در حوزه‌ها باشند. از این رو می‌فرمایند:

گشودن آفاق و گستره‌های جدید در امر فقاهت لازم است. چه دلیلی دارد که بزرگان و فقها و محققان ما نتوانند این کار را بکنند؟ حقیقتاً بعضی بزرگان این زمان و نزدیک به زمان ما، از لحاظ قوت علمی و دقت نظر، از آن اسلاف کم‌تر نیستند؛ منتها باید این اراده در حوزه به حرکت درآید...
 فقه و فقاهت باید در حوزه‌ها پیشرفت کند. این پیشرفت، هم از لحاظ عمق است، و هم از لحاظ سعه و فراگیری مسائل زندگی. فقه باید عمیق بشود؛ عمیق‌تر از آنچه هست (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۰/۶/۳).

پاسخ‌گویی به نیازهای علمی جامعه

امروزه ارتباطات و پیشرفت فناوری اطلاع‌رسانی، مرزهای جغرافیایی را بیش از پیش بی‌اثر کرده است. از پیامدهای این تحول و دگرگونی آن است که ارزش‌ها، هنجارها، نگرانی‌ها، نیازها و سؤالات افراد و جامعه به سرعت به افراد و جوامع دیگر منتقل می‌شود که بخش مهمی از این پرسش‌ها مربوط به دین و

نهادهای دینی خواهد بود. پیدایش چنین شرایطی وظایف و مسؤولیت نهادهای دینی در جوامع را بی‌اندازه سنگین و بار مسؤولیت آنان را دو چندان می‌کند. بدین جهت است که از منظر شهید مطهری^ع قوام حوزه‌ها به علم‌آموزی و تدریس و قوت علمی است و به همان نسبت ضعف در اصل آن و شیوهی اجرای آن و دیگر جوانب امر موجب نقصان و ناکارآمدی نظام حوزه است.

ایشان در نگاه آسیب‌شناسانه‌ی خود به حوزه‌ها، یکی از مشکلات مهم در این موضوع را مسأله‌ی محدودیت رشته‌های تحصیلی می‌داند که سبب می‌شود تا خروجی حوزه‌ها هم محدود باشد و تحصیل کرده‌های حوزه نتوانند پاسخ‌گوی مسائل متعدد روز باشند.

رشته‌های تحصیلی علوم دینیه اخیراً بسیار به محدودیت گراییده و همه‌ی رشته‌ها در قفالت هضم شده و خود رشته‌ی فقه هم در مجرای افتاده که از صد سال پیش به این طرف از تکامل باز ایستاده است (مطهری، ۱۳۷۷، ۲۲۸).

در صورتی که به اعتقاد وی:

در گذشته حوزه‌های علمی و روحانی ما از لحاظ رشته‌های مختلف علوم، از تفسیر و تاریخ و حدیث و فقه و اصول و فلسفه و کلام و ادبیات و حتی طب و ریاضی، جامع و متنوع بود و در دوره‌های اخیر تدریجاً به محدودیت گراییده است و به اصطلاح در گذشته به صورت جامع و دانشگاه بود و اخیراً به صورت دانشکده‌ی فقه درآمد و سایر رشته‌ها از رسمیت افتاده است (همان، ۲۷۹).

این در حالی است که کثرت و وسعت علوم و معارف در عصر حاضر، از جمله در زمینه‌ی دین و مباحث مرتبط با آن به حدی گسترده گردیده که هرگز قابل مقایسه با گذشته نیست.

امروزه فعالیت‌های علمی حوزه‌های علمیه، به ویژه حوزه‌ی علمیه قم، به

دلیل تشکیل حکومت دینی مبتنی بر تفکرات و احکام دینی تشیع در ایران اسلامی، مرکز توجه دوستان، علاقه مندان، منتقدان و حتی دشمنان اسلام و تشیع قرار گرفته و تمامی حرکات و سکنات آن زیر ذره‌بین نقد قرار داشته و به چالش کشیده می‌شود.

نوآوری در قالب نظریه پردازی

ارائه تبیین علمی قابل دفاع و دقیق از مبانی و مشروعیت حکومت دینی و پشتیبانی تئوریک از نظام از انتظاراتی است که حوزه‌ها باید پاسخ‌گویی به آن را سرلوحه‌ی برنامه‌های خود قرار دهند.

از این رو، به اعتقاد رهبر معظم انقلاب، از چیزهایی که لازم است در حوزه‌ها تحقق یابد این است که ما خودمان را و تلاش و فعالیت علمی خودمان را با نیازها منطبق کنیم. یک چیزهایی هست که مردم ما به آنها احتیاج دارند، پاسخ‌اش را از ما می‌خواهند؛ ما باید آنها را فراهم کنیم. در راستای پاسخ‌گویی به همین انتظارات علمی است که نوآوری در قالب نظریه پردازی ضرورت دو چندان می‌یابد.

مراکز تحقیقات کامپوز علوم اسلامی

نظریه‌پردازی سیاسی و نظریه‌پردازی در همه‌ی جریان‌های اداره‌ی یک ملت و یک کشور در نظام اسلامی به عهده‌ی علمای دین است. آن کسانی می‌توانند در باب نظام اقتصادی، در باب مدیریت، در باب مسائل جنگ و صلح، در باب مسائل تربیتی و مسائل فراوان دیگر، نظر اسلام را ارائه بدهند که متخصص دینی باشند و دین را بشناسند. اگر جای این نظریه‌پردازی پر نشد، اگر علمای دین این کار را نکردند، نظریه‌های غربی، نظریه‌های غیردینی و نظریه‌های مادی جای آنها را پر خواهد کرد. هیچ نظامی و هیچ مجموعه‌ای در خلأ نمی‌تواند مدیریت کند؛ یک نظام مدیریتی دیگری، یک نظام اقتصادی دیگری، یک نظام سیاسی دیگری که ساخته و پرداخته‌ی اذهان مادی است، می‌آید جایگزین می‌شود؛ همچنان که در آن مواردی که این خلأها محسوس شد و وجود داشت، این اتفاق افتاد (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۹/۷/۲۹).

ایشان در جایی دیگر در اهمیت این مسأله می‌فرمایند:

۴۹۰

وضعیت دوران انقلاب و توجه روزافزون به اسلام در خارج از مرزهای کشور اسلامی ایجاب می‌کند که علمای دین، با بینشی کاملاً نو و با استفاده از ذخیره‌ی بی‌پایان معارف دین و با اسلوب فقاقت سنتی و اجتهاد زنده و پویا، راه جامعه‌ی اسلامی را هموار نمایند و حوزه‌های علمیه با تحولی اساسی، خود را با نیازهای امروز جهان تطبیق داده و نوآوری را هدف برنامه‌های خود قرار دهند و با صرف وقت لازم و برجسته کردن اصول و مبانی فقاقت راه را بر التقاط و کج‌روی ببندند (همان، ۱۰/۳/۶۹).

در راستای انتظارات پاسخ‌گویی به نیازهاست که روحانیت همواره به عنوان متولیان اصلی هدایت دینی مردم در جامعه به حساب می‌آید و به عبارت دیگر؛ مرجع رسمی تبیین رهبری و هدایت مردم حوزه‌ها بوده و خواهد بود؛ همان طور که بیشتر مردم در انجام و عمل به وظایف عبادی و حتی موضع‌گیری سیاسی و روابط اجتماعی خود روحانیت را الگوی زندگی خویش قرار داده و از آنها خط مشی می‌گیرند. از این رو روحانیت در پرتو همان محوریت دینی خویش می‌تواند مردم را در مسیر فرامین دینی راهنمایی و هدایت کند. از منظر شهید مطهری^{۳۳} مسؤلیت حوزه‌ها در این بخش به قدری حائز اهمیت است که می‌فرماید:

اگر این پرچمداری از دست روحانیت گرفته شود و به دست به اصطلاح روشنفکران بیفتد، یک قرن که هیچ؛ یک نسل هم که بگذرد، اسلام به کلی مسخ می‌شود. زیرا حامل فرهنگ اصیل اسلامی، در نهایت، باز هم همین گروه روحانیان متعهد هستند (مطهری، ۱۳۶۴، ۱۸۶).

جامعیت دروس و توجه به آموزش

امروزه نیز حفاظت دین در مقابل سیل شبهه‌های مخرب از سوی شبهه‌پراکنان مغرض و یا بی‌غرض، به عهده‌ی حوزه‌ها نهاده شده است. حوزه‌ها با تمام توان

باید به دفاع از ارزش‌های دینی و نیز گسترش آن در مقابل اندیشه‌های نفوذی دشمنان پردازد. از این جهت حتماً لازم است پیش‌بینی این امر در مواد تحصیلی و آموزشی حوزه‌ها بشود.

... ما به همه‌ی آقایان با کمال خضوع عرض می‌کنیم که شمایی که باید ارشاد کنید این ملت را، باید مجهز بشوید - باید - مجهز به جمیع انحاء ارشادات. مردم از شما توقع جمیع انحاء ارشادات را دارند. اسلام همانطوری که ابعاد مختلفی دارد به حسب ابعادی که انسان دارد، ... علما هم باید ابعاد مختلفی داشته باشند در تعلیم، حسب ابعادی که اسلام دارد، و حسب ابعادی که انسان دارد، البته یک نفر نمی‌تواند همه‌ی این ابعاد را جواب‌گو باشد، لکن یک حوزه‌ی مرکب از ده هزار نفر یا حوزه‌های مرکب از مثلاً سی هزار نفر، این‌ها می‌توانند دسته دسته باشند و هر دسته‌ای یک بعدی را اداره بکنند ... (صحیفه نور، ۱۳۶۹، ج ۱۵، ۲۰۴-۲۰۳).

جامعیت بخشیدن به علوم حوزوی، توجه جدی به قرآن‌شناسی و حدیث‌شناسی و شناخت تاریخ و اخلاق و علوم میان‌رشته‌ای، مقدم داشتن فقه‌القرآن بر فقه‌الاحکام، بیرون آمدن از اجتهاد مقلدانه و بی‌ثمر، و گام نهادن در وادی تحقق اهداف دین و ترسیم جامعه‌ی برتر دینی و ارائه‌ی الگوی نمونه از تمدن اسلامی در سطح جهان، آرمان‌هایی است که باید در رأس آرمان‌های حوزه‌های علمی قرار گیرد و در پی آن جذب و گزینش و آموزش و پرورش نیروها در ابعاد اخلاقی و اعتقادی و علمی متناسب با آن صورت گیرد. بر مبنای همین انتظارات جامع‌نگری در تمامی شؤون اجتماعی است که مقام معظم رهبری می‌فرماید:

حوزه‌ی علمی باید کارخانه سازندگی انسان، سازندگی فکر، سازندگی کتاب، سازندگی مطلب، سازندگی مبلغ، سازندگی مدرس، سازندگی محقق، سازندگی سیاست‌مدار و سازندگی رهبر باشد. حوزه‌ی علمی باید به جایی برسد که همیشه ده، بیست نفر شخصیت آماده برای رهبری داشته باشد؛ که

اگر هر کدام از این‌ها را در مقابل زیدگان این امت بگذارند، بر او متفق بشوند که برای رهبری صلاحیت دارد (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۹/۷/۲۹).

۱۱۱

تجربه نشان داده است آن گاه که حوزه‌ها این مسأله را رعایت کرده‌اند، امور دینی در جامعه پیشرفت کرده و آن گاه که غافل مانده‌اند، امر دین با رکود مواجه شده است.

توجه جدی به روش در آموزش

در کنار جامعیت دروس، موضوع آموزش، مدت و روش آموزش است که می‌تواند بهره‌وری را مضاعف کند.

اساس کار طلبگی، فکر کردن و دقت کردن و مطالعه کردن است، نه حفظ کردن. حفظ محوری، همان چیزی است که امروز بلای تعلیم و تربیت جدید ماست و ما مدت‌هاست که داریم با آن مقابله و مبارزه می‌کنیم و هنوز هم رو به راه نشده است و باید رو به راه شود. در حوزه، اساس سنتی ما بر پایه‌ی فکر کردن است. طلبه درس را که می‌خواند، اولاً قبلاً پیش مطالعه می‌کند، ذهن‌اش را آماده می‌کند تا از استاد حرف نوبشود (همان).

توجه روزافزون به فقه و فقاہت

در راستای همین جامع‌نگری و تقویت آن است که مقام معظم رهبری (مدظله)، فقه شیعه را منبع لایزال و سرچشمه‌ی جوشانی برای پاسخ‌گویی به نیازهای بشر امروز می‌دانند که حوزه‌ها باید با تمام توان به بهره‌گیری از این معدن غنی و سرشار از معارف و احکام اسلامی پرداخته و آن را در اختیار بشر امروز قرار دهند.

فقه ما اسلوب بسیار متقن و محکمی دارد و این اسلوب همان چیزی است که به آن می‌گوییم فقاہت. شیوه‌ی استنباط و درک احکام الهی و اسلامی و فهم معارف و این که احکام را از کتاب و سنت چگونه و با چه ابزاری بفهمیم

اسمش فقاقت است. این شیوهی بسیار رسایی است. این منبع عظیمی که در اختیار ما قرار دارد، یعنی کتاب و سنت و دستاوردهای فکری گذشتگان، مواد اولیه است که با آن شیوه و در آن قالب‌ها می‌شود تمام نیازهای بشر را استخراج کرد و در اختیار بشریت گمراه گذاشت. امروز ما خیلی احتیاج داریم که از این شیوه استفاده‌ی بهینه کنیم (همان، ۷۰/۱۲/۱).

در راستای انتظار توجه حوزه‌ها به فقه و فقاقت و استفاده‌ی بهینه از این شجره‌ی طیبه است که امام خمینی ره نگرانی و دغدغه‌ی این را داشت که مبادا حوزه‌ها در درازمدت از توجه و اهمیت به فقه غفلت کنند و این سرمایه‌ی عظیم و منبع لایزال از جوشش باز ماند.

من خورفم این است که ما نتوانیم، روحانیت نتواند آن چیزی که به عهده‌ی اوست، صحیح انجام بدهد. من خوف این را دارم که به واسطه‌ی بعضی تبلیغات، حوزه‌های علمی از آن کار اساسی، که حفظ فقاقت است، سستی بکنند و کم کم فقه منسی بشود و در درازمدت این‌ها نتیجه بگیرند. شما خیال نکنید که آنها خیلی دستپاچه‌اند که همین دو سه روز این کار را انجام بدهند، اگر نتوانستند حالا، اگر نتوانستند نقشه می‌کشند که در پنجاه سال دیگری کار خودشان را انجام بدهند، دست بر نمی‌دارند (صحیفه نور، ۱۳۶۹، ج ۱۲، ۲۳۲-۲۳۳).

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

از منظر امام خمینی ره، حفظ اسلام با حفظ فقه و فقاقت مساوی است و بدون فقه و فقاقت حصنی برای اسلام باقی نخواهد ماند.

... این طور نباشد که ما یک وقت خدای نخواستہ از آن اصلی که اساس حفظ اسلام است رو برگردان شویم و حوزه‌ها به فقاقت کم توجه بشوند. این فقها هستند که حصون اسلام هستند و حفظ کردند اسلام را. باید حوزه‌ها عنایتشان به فقه و فقاقت از همه چیز بیشتر باشد. اگر حوزه‌های فقاقت از بین برود یا سست بشود، رابطه ما بین فقها و ملت قطع می‌شود، این حوزه‌ی فقاقت است که رابطه را محفوظ نگه داشته است (همان، ۲۲۹).

بخش دوم: انتظارات رفتاری

موضوع این بخش را در دو محور رفتار فردی و رفتار اجتماعی تربیت یافتگان حوزه‌ها مورد بحث قرار می‌دهیم:

الف - رفتار فردی

تهذیب روح و روان

پالایش جان از خلق و خوی زشت و ناپسند و آراستن روح و روان به خلق و خوی زیبا، پاک و پسندیده از اساسی‌ترین و کارآمدترین انتظاراتی است که از محصلین حوزه‌ها می‌رود. زیرا به بیان آموزه‌های دینی «رأس العلم التمییز بین الاخلاق و اظهار محمودها و قمع مذمومها» (محمدی ری شهری، ۱۳۷۵، ج ۳، ۱۴۴، قمی، ج ۲، ۶۷۶). سرآمد دانش، شناخت و جداسازی خلق و خوی پسندیده از ناپسند و نشان دادن زیبایی‌های اخلاقی و برکندن ریشه‌ی زشتی‌هاست. برپایه چنین باور و اعتقادی است که قرآن کریم از پیام‌آور ارزش‌های دینی به عنوان مجسمه‌ی ارزش‌ها و سرآمد الگوی اخلاقی انسان‌ها سخن به میان می‌آورد و او را در رأس قله‌ی فضائل و کمالات اخلاقی قرار می‌دهد «إِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ» (قلم، ۴). و در سوره‌ی مبارکه‌ی احزاب از او به عنوان اسوه و الگوی اهل ایمان یاد می‌کند «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَ الْيَوْمَ الْآخِرَ وَ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا» (احزاب، ۲۱)؛ برای شما اگر به خدا و روز قیامت امیدی دارید و خدا را فراوان یاد می‌کنید شخص رسول‌الله مقتدای پسندیده‌ای است.

حوزه‌های دینی در بستر چنین باوری شکل گرفته و به وجود آمده‌اند، بنابراین انتظار این که محصل حوزه از حیث اخلاق و تهذیب نفس سرآمد افراد جامعه خود باشد، انتظاری به حق است.

مبنای این انتظار

رابطه‌ی بین ایمان و عمل

بین ایمان و عمل رابطه‌ای دو سویه وجود دارد: از یک سو ایمان منشأ و زمینه‌ساز اعمال صالح است. از این رو، ایمان به درخت، و عمل صالح به میوه‌های آن تشبیه می‌شود. وقتی روح ایمان در دل انسان جا پیدا کند، اعمال نیز متناسب با آن انجام خواهد شد. از سوی دیگر عمل موجب تثبیت و تقویت ایمان می‌شود. از این رو، گاهی ایمان به نور چراغ و عمل به روغن چراغ تشبیه می‌شود؛ همان‌طور که نور چراغ به کمک روغن چراغ شعله‌ور می‌شود نور ایمان نیز به مدد روغن عمل روشن می‌شود و با استمرار عمل، قلب انسان نورانی می‌گردد (کاشانی، ۱۳۷۶، ۲۸۵).

در واقع، عمل صالح زمینه‌سازی می‌کند تا انسان به صفای باطن و قلب پاک دست پیدا کند؛ رساترین تعبیر برای بیان این نوع رابطه سخنی است از امیرالمؤمنین علی علیه السلام که می‌فرماید: «بالایمان یستدل علی الصالحات و بالصالحات یستدل علی الایمان» (دشتی، ۱۳۷۹، خ ۱۵۶)؛ ایمان را بر اعمال صالح دلیل توان ساخت و از اعمال صالح ایمان را توان شناخت. نشانه بودن عمل بر ایمان از احادیث و روایات زیادی نیز استفاده می‌شود. به عنوان نمونه، امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

ایمان ادعایی است که جز با بیّنه ثابت نمی‌شود و بیّنه‌ی ایمان عمل آن است (کلینی، ۱۴۰۱ق، ج ۲، ۴۰).

همچنین، امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید:

به درستی که یقین مؤمن در عمل او مشاهده می‌شود (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۸، ۳۱۱).

علامه مجلسی رحمته الله در ذیل این روایت می‌گوید:

تصدیق جز به اقرار ظاهر نمی‌شود و اقرار جز به عمل جوارح کامل

نمی‌گردد. همانا اعمال گواهان ایمان‌اند (همان). در واقع، انجام عمل صالح نشان‌دهنده‌ی اعتقاد راسخ و معرفت فرد مؤمن است. همچنان‌که، به تعبیر احادیث، «صلاح الظواهر عنوان صحه الضمائر» (آمدی، ۱۳۶۰، ۱۹۶)؛ ظاهر درست و خوب و صالح حاکی از درونی پاک و سالم است.

«و فساد الظاهر من فساد الباطن» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۷۳، ۳۹۵)؛ فساد و خرابی ظاهری ناشی از فساد درونی و باطنی است.

حال با توجه به آن چه در رابطه با ارتباط بین ایمان و عمل گفته شد، به طور طبیعی است که افراد از دست پروده‌های حوزه‌ها انتظار داشته باشند خود به آن چه دیگران را دعوت به آن می‌کنند عامل باشند و این عاملیت را در عمل خود نشان دهند. در راستای برآورده شدن چنین باور و نگاهی نسبت به حوزه‌هاست که آرمان حوزه‌ها و روحانیت والاترین آرمان حیات بشری است که همه‌ی ارزش‌ها و آرمان‌های دیگر در طول آن و مقدمه‌ای برای حصول آن به شمار می‌آید. از این رو دست پروردگان حوزه در نزد متدینان از منزلت اجتماعی بی‌بدیلی برخوردارند. و دینداران، آنان را در کسوت و لباس پیامبر خود علیه السلام می‌بینند و زندگی خود را اساس تشخیص و حکم آنان تنظیم می‌کنند و ایشان را وکلای ائمه‌ی هدی علیهم السلام می‌دانند.

این احترام و اعتماد، برخاسته از همان انتظاری است که حوزوی را شاگرد درس آموخته مکتب امام صادق علیه السلام و سرباز واقعی امام عصر علیه السلام می‌دانسته است. براساس چنین باور و برداشتی است که دینداران برای این شاگردی و سربازی نشانگان تعریف شده دارند که نه تنها جلوه‌های رفتار صنفی او در محراب یا منبر یا کرسی تدریس، بلکه تمام فعالیت‌ها و اساساً سبک زندگی وی را بدان می‌سنجند:

در همه‌ی شؤون روحانیت و وظایفی که علمای دین و روحانیون و ملبسان به

این لباس دارند، این اصلاح نفس لازم است و ما باید این مسؤولیت را حس کنیم. قدم اول این است که ما احساس بکنیم مسؤولیت اصلاح نفس را داریم؛ اصلاح از لحاظ اخلاقی و روحی و تدارک کردن اخلاص و قصد قربت و اجتناب از گناه؛ همان که امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «و لکن أعبوننی بوسع و اجتهد و عفة و سداد»؛ یعنی تلاش داریم برای درست حرکت کردن و منحرف نشدن و عفت و سداد. این احساس را باید بکنیم و به اصلاح فکر و اصلاح بینش و اصلاح سلیقه‌ی معوج - اگر خدای نکرده در ما هست - و اصلاح مذاق و مشرب دینی و فقهی و کلامی و سیاسی و غیره توجه کنیم (مقام معظم رهبری، ۱۳۶۹/۱/۴).

عزیزان من! برادران من! فرزندان من! جوانان! طلاب دختر و پسر! اگر می‌خواهید مثل بوته‌ی گلی عطر شما فضا را معطر کند، اگر می‌خواهید معنویت مثل چشمه‌ای از شما سرازیر شود و بدون اجبار، بدون اکراه، تشنگان بنوشند و به سوی آن بشتابند، راهش این است: «فلیبدأ بتعلیم نفسه» (همان، ۱۳۹۰/۷/۲۰).



ب - رفتار اجتماعی

حفظ قداست و شان اجتماعی حوزه

حوزه‌ها، از عناصر اصلی و اساسی شکل دهنده‌ی رفتارهای اجتماعی به شمار می‌آیند. باورها، ارزش‌ها، هنجارها، بیش‌تر با نفس گرم و تأثیرگذار عالمان دینی در جامعه دمیده می‌شود و رفته رفته جزء فرهنگ و رفتار اجتماعی مؤمنین می‌گردد.

این جایگاه از آن جا سرچشمه گرفته که مردم تربیت‌یافتگان حوزه‌ها را کارشناسان مورد اعتماد در امور دینی خود می‌دانند. این پیوند و پیوستگی، مسؤولیت حوزه‌ها را در گسترش و استقرار رفتار دینی و اخلاق اجتماعی و تقویت بینهی معنوی در جامعه دو چندان ساخته است. بر مبنای داشتن چنین جایگاهی است که انتظار می‌رود که حوزه‌ها، با شبکه‌ی گسترده و پشتوانه‌ی بزرگ و قوی مردمی که در اختیار دارند، بتوانند به ساخت و ساز بستر ارزشی

جامعه و نهادینه کردن آن بردازند و در زمینه‌ی حاکمیت اخلاق و ارزش‌های اسلامی اثری ژرف و گسترده پدید آورند.

۹۱۷*

روحانیت دارای قداست است. مردم به من و شما که نگاه می‌کنند، به خاطر لباسمان، شأنمان و شغلمان، حساب خاصی برای ما باز می‌کنند و یک تقدسی قائلند. بعضی از گناهانی که خودشان می‌کنند، خیال می‌کنند ماها نمی‌کنیم؛ بعضی از کارهای خیری که خودشان انجام نمی‌دهند، خیال می‌کنند ما انجام می‌دهیم؛ خیال می‌کنند ماها دائم در حال ذکر الهی و توجه به پروردگار - که غالباً از آن غفلت می‌شود - هستیم؛ یک چنین تصوراتی درباره‌ی ما دارند. البته این تصورات را نباید تقویت کرد. امام سجاده علیه السلام در یکی از ادعیه‌ی صحیفه‌ی ثانیه‌ی سجادیه از خدای متعال شش چیز می‌خواهد، که یکی‌اش این است: «و لَبَّأ رَاجِحاً»؛ باطنم از ظاهرم بهتر باشد. ماها در این زمینه گرفتاریم. باید باطنمان از ظاهرمان بهتر باشد. این قداست را چگونه حفظ کنیم؟ حفظ قداست با سلامت مالی، سلامت اخلاقی و حفظ زی طلبگی است. نمی‌گوییم عبای پاره به دشمنان بیندازیم، معنای زی طلبگی این نیست. معنایش این است که در دنیا طلبی مثل دنیا طلبیان عمل نکنیم؛ هر چه هوس کردیم، بخواهیم. من قبل‌ها روایتی دیدم که هر کس هر چه دلش خواست بیوشد، هر چه دلش خواست بخورد و هر مرکوبی که دلش خواست سوار شود، این شخص پیش خدای متعال ملعون است. این شأن پولدارها و پول پرست‌هاست. ما هم فلان چیز را هوس می‌کنیم، اما حالا پول نداریم، به مجردی که پول گیرمان آمد، فوراً می‌رویم آن را تهیه می‌کنیم؛ منتظریم که از این صد جزء اشرافی‌گری، وقتی این یک جزئش فراهم شد، نود و نه جزء دیگر را هم در فرصت‌های دیگر همین‌طور به تدریج فراهم کنیم. این شأن طلبگی نیست. شأن طلبگی این است که انسان یک زی متوسطی همراه با قناعت، سلامت مالی و سادگی به‌طور نسبی برای خودش نگه دارد. سلامت اخلاقی، خیلی مهم است. آن وقت قداست حفظ خواهد شد (همان، ۱۳۸۵/۸/۱۷).

رسالت روحانیت در توسعه‌ی دینداری (با رویکرد به نظریات امام علیه السلام و رهبری مدظله العالی) و شهید مطهری رحمته الله علیه

ساده زیستی و پای‌بندی به ارزش‌ها

بی‌تردید، اثرگذاری پرورش یافتگان حوزه‌ها در حفظ و توسعه‌ی دینداری در

جامعه، به زهد و پارسایی آنان وابسته است. انسان‌ها به آن حوزوی که جلوه‌های دنیوی در زندگی و عمل و منش و روش او جلوه‌گری دارد، دل نمی‌بندند و پنجره‌ی دل و جان و روح و روان‌شان را به روی او نمی‌گشایند. از این رو، تربیت یافتگان حوزه باید با عمل به وظایف الهی خود و بهره‌گیری از اخلاص و ساده‌زیستی و قناعت در زندگی، جلوه‌های عملی زهد و پارسایی را به نمایش بگذارد، تا بتوانند جایگاه اصلی خود را در تأثیرگذاری در دل و جان انسان‌ها حفظ کنند:

مبلغ دین و مبین معارف دینی، باید به زبان اکتفا نکند؛ بلکه عمل او هم باید ایمان و اخلاص و صفایش را در بیان این حقیقت برای مخاطب ثابت کند و نشان دهد. این که مشاهده می‌کنید در هر کاری که علمای دین پیشگام باشند، مردم پاسخ مثبت می‌دهند و اجابت می‌کنند و جمع می‌شوند و عمل می‌کنند - چه جبهه باشد، چه امر سیاست و چه خود انقلاب - به خاطر این است که این لباس و شغل و زی، به خاطر عمل اخیار و نیکانی که قبل از ما بوده‌اند، توانسته است ایمان مردم را به خود متوجه و جلب کند. این، اخلاص علمای گذشته و بزرگان ماست و سرمایه‌ی ارزشمندی محسوب می‌شود. باید این را حفظ کنیم. وقتی علمای دین، چنین ایمان و اخلاصی را از خود نشان می‌دهند و عملاً برای مردم ثابت می‌کنند، کار هدایت آنها را آسان می‌سازند (همان ۱۳۷۴/۱۰/۲۷).

البته مبنای چنین انتظاری از حوزویان داشتن برخاسته از آموزه‌های دینی اسلام است، آنجا که معصومین علیهم‌السلام می‌فرمایند:

إِذَا رَأَيْتُمُ الْعَالِمَ مُحِبًّا لِلدُّنْيَا فَاتَّهَمُوهُ عَلَى دِينِكُمْ فَإِنَّ كُلَّ مُحِبٍّ لِشَيْءٍ يَحُوطُ مَا أَحَبَّ وَ قَالَ أَوْحَى اللَّهُ إِلَيَّ دَاوُدَ عليه السلام لَا تَجْعَلْ بَيْنِي وَ بَيْنَكَ عَالِمًا مَفْتُونًا بِالْدُّنْيَا فَيُضِدَّكَ عَنْ طَرِيقِ مَحَبَّتِي فَإِنَّ أَوْلِيكَ قُطَاعُ طَرِيقِ عِبَادِي الْمُرِيدِينَ إِنْ أَدْنَى مَا أَنَا صَانِعٌ بِهِمْ أَنْ أَنْزِعَ حَلَاوَةَ مُنَاجَاتِي عَنْ قُلُوبِهِمْ (كلینی، ۱۴۰۱ق، ج ۱، ۴۶)؛ اگر عالمی را دوستدار دنیا یافتید، او را در کار دین خود متهم سازید، زیرا هر

دوستدار در بند چیزی است که آن را دوست می‌دارد. خدا به داود وحی فرمود که میان من و خودت عالم فریفته‌ی دنیا را واسطه قرار مده که تو را از راه دوستی‌ام بگرداند، که ایشان راهزنان راه بندگان جویای من‌اند، و من کم‌تر کاری که با ایشان کنم این است که شیرینی مناجاتم را از دل‌شان بر می‌کنم (کلینی، ۱۴۰۱ق، ج ۱، ۴۶).

اهمیت ساده زیستی روحانیت در بعد اجتماعی بعد از انقلاب

همان گونه که گفته شد در ساختار بنیهی معنوی و اخلاقی جامعه‌ی اسلامی، چگونگی نگرش و گرایش تربیت یافتگان حوزه‌ها به دنیا و زخارف دنیوی نقش بنیادی دارد. پس از شکل‌گیری انقلاب اسلامی و نقش‌آفرینی حوزه‌ها در گرداندن چرخ‌های آن، مردم با دید دیگری به حوزه و حوزویان می‌نگرند و عملکرد آنها را با حساسیت بیشتری پی‌گیری می‌کنند. پیشینه‌ی تاریخی محصلین حوزه‌ها در پرهیز از دنیاگرایی و روی آوردن به ساده‌زیستی و قناعت پیشگی، این باور را در مردم به وجود آورده که از روحانی انتظار داشته باشند که دنیا و زرق و برق آن چشم دل‌اش را به خود جذب نکند و در دام محبت دنیا گرفتار نیاید. اهمیت این مسأله به قدری است که بخش اصلی سخنان امام خمینی ره و مقام معظم رهبری (مدظله) درباره‌ی روحانیون حاکی از سنگینی نقشی است که بر روحانیت بعد از انقلاب قرار دارد و می‌تواند این قشر را با فشار نقش و تعارض نقش رو به رو سازد. از مهم‌ترین نکات قابل توجه در این بخش، که بارها تکرار و بر آن تأکید شده است، توجه به ارزش‌های فرامادی و مبارزه با خواهش‌های نفسانی و دوری از منافع شخصی موضوعی است که به دفعات مورد توجه قرار گرفته است:

توقع مردم از ما به عنوان عمامه به سر و روحانی، زیاد است ... حالا توقع مردم از ما بیشتر است. اگر در رفتار ما، آثار رفتار غلبه‌ی بعد از فتح مشاهده

بشود، مردم را دلسرد و مأیوس می‌کند ... (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۹/۸/۲۹).

و خلاصه این که:

روحانی، آن وقتی سخن نافذ خواهد داشت که عملاً نشان بدهد به زخارف دنیا بی‌اعتناست و آن حرصی که بر دل‌های دنیاداران و دنیامداران حاکم است، بر او حاکم نیست. این را باید به مردم نشان بدهیم. روحانیت، در سایه‌ی پارسایی بود که این حیثیت و آبرو را پیدا کرد. این پارسایی و بی‌اعتنایی به دنیا و به زخارف، باید حفظ شود (همان، ۱۳۶۹/۱۲/۲۲).

بخش سوم: انتظارات تبلیغی

تبلیغ، که به معنای سعی و تلاش برای رساندن پیام به مخاطب و تحت تأثیر قرار دادن اوست، با بهره‌گیری از روش‌های گوناگون، در هر عصر و زمانی با توجه به امکانات و شیوه‌های مربوط به آن زمان صورت می‌گیرد.

از نظر اسلام دعوت و ابلاغ، رسالت بزرگ پیامبران الهی علیهم‌السلام به شمار می‌رود. تمامی انبیای الهی علیهم‌السلام برای رساندن پیام الهی بر امت‌های گوناگون برانگیخته شده‌اند. و هر یک از آنان موظف و مکلف بودند که آنچه را بر آنان نازل شده است بر مردم ابلاغ کنند و در جهت نهادینه شدن آن در دل و جان امت خود بکوشند. از این رو، هدف از تبلیغ در حوزه‌ها، همانا ارائه‌ی چهره‌ی نورانی اسلام به جهانیان و عرضه‌ی این متاع بی‌نظیر به جامعه‌ی بشری است. زیرا اگر سیمای دل‌پذیر دین با آن جمال زیبایش نمایان شود، فطرت سالم و آزاد انسان‌ها، مشتاقانه پذیرای آن خواهد بود، و بدان روی خواهد آورد؛ به بیان امام هشتم علی بن موسی الرضا علیه‌السلام «لو علم الناس محاسن کلامنا لاتبعونا» (صدوق، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ۲۷۵)؛ اگر انسان‌ها زیبایی کلام ما را می‌دانستند بی‌تردید پیرو ما می‌شدند.

تبلیغ و ابلاغ و رساندن حقایق دینی و انتشار آن در جامعه از جمله انتظارات به حق است که حوزه‌ها به خوبی باید از عهده‌ی آن برآیند. شهید مطهری رحمته‌الله علیه در این باره می‌فرماید:

اولین پستی که در دوره‌ی خاتمیت از پیامبران صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به عالمان انتقال یافته، پست دعوت و تبلیغ و ارشاد و مبارزه با تحریف‌ها و بدعت‌هاست. توده‌ی بشر در همه‌ی دوره‌ها نیازمند به دعوت و ارشاد است. قرآن با کمال صراحت این وظیفه را به عهده‌ی گروهی از خود امت می‌گذارد: «وَلَتَكُنَّ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ يُأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» (آل عمران، ۱۰۴)؛ باید گروهی از شما باشند که دعوت به خیر کنند، به نیکی فرمان دهند و از زشتی باز دارند. همچنین عللی که منجر به تحریف و بدعت می‌شود همه وقت بوده است و خواهد بود، و باز علمای امت هستند که وظیفه‌دار مبارزه با تحریف‌ها و بدعت‌ها می‌باشند (مطهری، ۱۳۷۰، ۵۷).

سازگاری با نیاز زمانه

اگر بناست دین خداوند به عنوان تنها راه نجات بشریت معرفی و راز و رمزهای نجات انسان از سردرگمی، بحران هویت، احساس بی‌پناهی و وانهادگی به عنوان بیماری‌های شایع در این عصر و زمان معرفی گردد، ناگزیر باید تبلیغ دین از نظر مبلغ و پیام رسان، محتوای دعوت و پیام، روش ابلاغ و ابزار و رسانه‌های تبلیغی به طور کامل با شرایط و مقتضیات زمان سازگار باشد. در زمانه‌ای که افراد انسانی حتی در خلوت خود با بمباران اطلاعاتی و سیل تبلیغات فرهنگی، سیاسی و اقتصادی با نگرش‌های سکولاریستی و دین ستیزانه سروکار دارند؛ تبلیغ دین به عنوان یک نظام جامع که بتواند نیازهای بشری را در ابعاد گوناگون پاسخ‌گو باشد از ضروریات زمانه است:

ما امروز نمی‌توانیم مثل سابق فکر کنیم، ما سابق تبلیغاتمان محصور به ایران بود. گاهی اتفاق می‌افتاد که در یک جای دیگر هم می‌رفتند اما گاهی بود، خیلی کم ... مثل دیروز نیست که ما صدامان از ایران بیرون نمی‌رفت ...

تبلیغ عملی

اگر چه ممکن است گاهی تبلیغ لفظی و کلامی بر تبلیغ عملی، تقدم زمانی داشته باشد، و لیکن از آنجا که پند رفتاری و کرداری واعظان متعظ و عالمان عامل و خیراندیش و خوش رفتار، بسی بیش از تبلیغ زبانی دیگران سودمند و مفید فایده قرار گیرد، از این رو، تبلیغ عملی، بر تبلیغ لفظی و گفتاری تقدم رتبی دارد:

ما هر چه فریاد بزنیم که ... جمهوری اسلامی هستیم، لکن وقتی ببینند ما را که در عمل، غیر او هستیم، از ما دیگر باور نمی‌کنند ... (صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۱۳، ۴۸۸).

از منظر امام خمینی علیه السلام، انبیا علیهم السلام از اول تا به آخر و اولیا و اوصیا علیهم السلام از اول تاریخ تا آخر، این‌ها همه پاسدار اسلام بودند و پاسدار دین حق. در همه‌ی دوره‌ها، دین حق همان اسلام و تسلیم در بارگاه حق تعالی است. آنها نه این که فقط تبلیغات لفظی کردند برای پاسداری، بلکه مهم، تبلیغات عملی آنها بوده است؛ یعنی، اعمال آنها در طول تاریخ سرمشق ما و همه‌ی اهل تاریخ است (صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۱۹، ۲۳۴).

پاسخ‌گویی به شبهات و مبارزه با تحریف‌ها و بدعت‌ها

به راستی حوزه‌ها نگاهبانان دین و متون دینی می‌باشند. «نگهداری متون اصلی از دستبرد حوادث، استنباط فروع از اصول و تطبیق کلیات بر جزئیات، طرح و اکتشاف مسائل جدید که هر عصری با خود می‌آورد، جلوگیری از گرایش‌های یک‌جانبه، مبارزه با جمود بر شکل‌ها و ظاهرها و عادت‌ها، تفکیک احکام اصلی و ثابت و مادر از مقررات فرعی و نتیجه، تشخیص اهم و مهم و ترجیح اهم، تعیین حدود اختیارات حکومت در وضع قوانین موقت، و بالاخره تنظیم

برنامه‌های متناسب با احتیاجات روز از اهم وظایف علمای امت در دوره‌ی خاتمیت است» (مطهری، ۱۳۷۷، ۵۹).

مقام معظم رهبری نیز در این باره می‌فرماید:

روحانیان و علمای دین در طول قرن‌های متمادی، تحریف را از ساحت احکام الهی دور کردند و شعله ایمان را در دل مردم برافروختند و آنان را با قرآن کریم و تعالیم اهل بیت عصمت و طهارت آشنا ساختند (مقام معظم رهبری، ۱۳۶۹/۱۲/۲۳).

تقویت نظام اسلامی

در هر جامعه‌ای، کم و بیش، انگیزه‌های ناسالم برای شبه‌افکنی و بدگویی و بدبینی علیه اشخاص و نهادها و برنامه‌ها وجود دارد. عناصری هستند که به همه چیز با نگاه آلوده به بدبینی و عیب‌جویی می‌نگرند، و در تلاش‌اند تا به هر شکل ممکن نظام اسلامی و پشتوانه‌ی معنوی آن را که حوزه‌ها و باورهای برآمده از آن است را به چالش بکشانند، تا در نتیجه بتوانند پایه‌های اعتقادی و اعتماد اجتماعی مردم را نسبت به اصل نظام دچار انحراف و تردید سازند. از آنجا که حوزویان مرزبانان عقاید و مدافع ارزش‌های الهی و اسلامی هستند با بالا بردن سطح معارف و بصیرت و بینایی و استوار سازی باورها و ارزش‌ها در جامعه، می‌توانند سدی پولادین در برابر شبهات به وجود بیاورند.

امروز شبهه‌هایی مطرح می‌شود که آماج آن شبهه‌ها نظام است. شبهات دینی، شبهات سیاسی، شبهات اعتقادی و معرفتی در متن جامعه تزریق می‌شود - به خصوص در میان جوانان - هدف‌اش فقط این است که یکی را از یک فکری منتقل کند به یک فکر دیگری؛ هدف‌اش این است که پشتوانه‌های انسانی نظام را از بین ببرد؛ مبانی اصلی نظام را در ذهن‌ها مخدوش کند؛ دشمنی با نظام است. لذا برطرف کردن این شبهه‌ها، پاک کردن این غبارها از ذهنیت جامعه - که به وسیله‌ی علمای دین انجام می‌گیرد - این هم یک پشتوانه‌ی دیگر برای نظام اسلامی است (همان).

فرهنگ سازی در راستای ارزش‌های الهی

اگر فرهنگ را اساس جامعه و روح انقلاب بدانیم به طور طبیعی انتظار این است که دین‌شناسان سیاست‌های فرهنگی جامعه را طراحی کنند. چون یک مصداق از فرهنگ ما، اسلام، باورها، ارزش‌ها، احکام و سپس نمادها و شعارهای اسلامی است؛ بنابراین تعیین کنندگان این سیاست‌ها عالمان دینی خواهند بود و عالمان دینی هم تربیت یافته‌ی حوزه‌های علمیه می‌باشند. پس سیاست‌گذاری فرهنگی در نظام اسلامی و با فرض این‌که فرهنگ اسلامی اساس این نظام است ارتباط منطقی با حوزه‌های علمیه پیدا خواهد کرد. البته موفقیت حوزه‌ها در این رسالت عظیم و گسترده، منوط به آن است که افزون بر بازسازی کاستی‌های تبلیغی و کامل کردن روش‌های تربیتی، این ویژگی‌ها را نیز سرلوحه‌ی کار خود قرار دهد.

مبارزه با تحجر و التقاط

تحجر که از آن به «مقدس مآبی»، واپس‌گرایی و قشری‌گری نیز تعبیر می‌شود، عبارت است از جمود و انعطاف‌ناپذیری متعصبانه و جاهلانه بر یک اعتقاد، استنباط و برداشت خاص از دین که به موجب آن، هر فکر و اندیشه‌ی نو و حرکت و پدیده‌ی جدید، نوعی «بدعت» به شمار آمده و در مقابل آن جبهه‌گیری می‌شود. متحجر انسانی است انعطاف‌ناپذیر و دارای جمود فکری و عملی که برداشت و استنباط خود را از مکتب، قطعی و نهایی دانسته، هر فکر و عقیده و عمل ناسازگار با اندیشه و اعتقاد و عمل خود را، متهم به بدعت، کفر، شرک، ارتداد، الحاد و التقاط می‌کند.

متحجر از نو‌متنفر و منزجر و با کهنه‌دم‌خور و مأنوس است. هر بدیعی را بدعت به حساب آورده و با آن مبارزه می‌کند و به اقتضای کوری ناشی از جمود خویش، هسته را پوسته و وسیله را از هدف تشخیص نمی‌دهد.

خاستگاه تحجر، افراط بیش از حد ناشی از عدم بصیرت کافی و جهل

نسبت به حقیقت و روح دین است. به تعبیر شهید مطهری رحمته:

۲۵۴

... یکی از پدیده‌های اجتماعی که در دنیای اسلام رخ داد، این بود که طبقه‌ای در اجتماع اسلامی پیدا شد که به اسلام علاقه‌مند بود ... اما فقط ظاهر اسلام را می‌شناخت، با روح اسلام آشنا نبود ... یک طبقه‌ی مقدس مآب و متنسک و زاهد مسلک در دنیای اسلام به وجود آمد ... (مطهری، ۱۳۶۷، ۳۱-۳۲).

مقام معظم رهبری یکی از مصادیق کامل و الگویی تمام عیار مبلغ تربیت یافته‌ی حوزه‌ها را در مبارزه با تحجر و التقاط، شهید مطهری رحمته معرفی می‌کند و می‌فرماید:

شهید بزرگوارمان مرحوم آیه الله مطهری (رضوان الله تعالی علیه) عرض کنیم حقیقتاً رفتار و منش آن مرد بزرگ نشان‌دهنده و نمایش‌گر یک معلم کامل و با احساس مسؤولیت بود. در هیچ عرصه‌ای از عرصه‌هایی که حضور یک متفکر اسلامی مورد نیاز بود ایشان از ورود در آن عرصه خودداری نکرد. ملاحظات و مصالح نتوانست جلوی او را بگیرد که وارد این عرصه نشود؛ چه در زمینه‌های سیاسی، چه در زمینه‌های فکری، در زمینه‌ی پاسخ به سؤال‌های گوناگونی که در آن دوره ذهن جوان‌های ما را به خود مشغول کرده بود. شهید مطهری مثل برخی از مدعیان روشنفکری دینی نبود که مطالب اجنبی از منطق دین و محتوای دین را با لعاب دینی و قالب دینی عرضه کند، بلکه درست نقطه‌ی مقابل مفاهیم حقیقی دینی را در بسته‌بندی‌های متناسب روز و متناسب با سؤال و نیاز و استفهام مخاطبین عرضه می‌کرد. دنبال این نبود که یک دسته‌ی خاصی، یک گروه خاصی یک مجموعه‌ی فکری خاصی، او را تحسین کنند. با واپسگرایی و عقب‌ماندگی فکری و ارتجاع و تحجر و غلط اندیشیدن در زمینه‌ی دین که ناشی از تحجر و واپسگرایی است همان قدر و با همان شدت برخورد کرد که با بدعت‌ها و افکار انحرافی و افکار التقاطی. این خصوصیت آن مرد بزرگ بود. او خسته نشد تلاش دائمی می‌کرد. (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۹/۲/۱۵).

بصیرت و آینده نگری

مبلغ باید با بصیرت کامل و دور اندیشی لازم، امواج فرهنگی زمان را که از هر سو، به سوی اسلام و نظام اسلامی سرازیر شده است به خوبی بشناسد و راه‌ها و شیوه‌های برخورد با آن را نیز بیابد، تا بتواند در رویارویی با آنها، به نتیجه‌ی سودمند و کارآمد برسد. در غیر این صورت ساده اندیشی و سطحی نگری و در گوشه انزوا و عزلت زیستن و درها را به روی خود بستن و فقط در صدد بر کشیدن گلیم خود از آب بودن، همان چیزی است که دشمن در پی آن است.

دشمن انقلاب جامعه‌ی روحانیت را در صورتی تحمل می‌کند که روحانیون از دخالت در امور سیاست و حضور در صحنه‌های انقلاب کنار بکشند و مانند جمعی از روحانیون بی‌خبر و متحجر گذشته و حال به کنج مدارس و مساجد اکتفا کنند و کشور و زندگی مردم را به آنان بسپارند و از جمله‌ی پدیده‌های پرمعنی آن است که در تمام مدت مبارزات و نیز سال‌های پس از پیروزی، علمای متحجر و بی‌خبر از حوادث کشور و دور از جریان‌های سیاسی، هیچ‌گاه در معرض تهاجم دشمنان قرار نگرفتند، بلکه حتی گاه مورد ستایش و تمجید نیز واقع شدند و حملات جسمی و تبلیغی و حتی تهمت ارتجاع و واپسگرایی از سوی روشنفکر نمایان عامل بیگانه تنها متوجه علما و روحانیونی شد که از لحاظ اندیشه‌ی سیاسی و نوآوری‌های عرصه‌ی علم و عمل درخشیده و به عنوان قشری پیشرو و مترقی و آگاه شناخته شده‌اند. موضع‌گیری‌های دشمنان به درستی همان حقیقتی را برای مردم آگاه و جامعه‌ی روحانیت متعهد و انقلابی آشکار می‌سازد که امام حکیم و روشن‌بین ما بارها آن را بیان کرده‌اند، یعنی اولاً این‌که قدرشناسی از روحانیون بزرگوار و تبعیت از آنان وظیفه‌ای دینی و ملی و انقلابی است که هیچ‌گونه غفلت از آن جایز نیست، ثانیاً این‌که تحجر و واپسگرایی در میان روحانیون و یا خدای نخواستہ توجه به منافع شخصی و دنیاطلبی و روی آوردن به زیورهای مادی و سوء استفاده از امکانات اجتماعی خطرش برای روحانیت کم‌تر از حملات دشمن نیست، بلکه به مراتب از آن بیشتر است و ثالثاً وضعیت دوران انقلاب و توجه روزافزون به اسلام در خارج از مرزهای کشور اسلامی ایجاب می‌کند که علمای دین با بینشی کاملاً نو و با استفاده از ذخیره‌ی بی‌پایان معارف دین

و با اسلوب فقاقت سنتی و اجتهاد زنده و پویا راه جامعه‌ی اسلامی را هموار نمایند و حوزه‌های علمیه با تحولی اساسی خود را با نیازهای امروز جهان تطبیق دهند و نوآوری را جهت و سمت برنامه‌های خود قرار دهند و البته با اعمال دقت لازم و برجسته کردن اصول و مبانی فقاقت راه را بر التقاط و کجروی ببندند. رابعاً تزوا و دوری از فعالیت سیاسی را - که خواست دشمنان و خلاف وظیفه‌ی اسلامی است - به هیچ وجه در زندگی خود و حوزه‌های علمیه راه ندهند و همواره مخصوصاً در مواقع خطر پیشاپیش صفوف مردم به تلاشی مخلصانه و خستگی‌ناپذیر مشغول باشند و علم را با عمل و تفقه را با جهاد و معرفت را با تبلیغ قولی و عملی همراه سازند و هر سه سنگر مدرسه، مسجد و جبهه را پر کنند (همان، ۱۳۶۹/۳/۱۰).

پرهیز از عوام زدگی و مبارزه با آن

اصلاح امت اسلامی در پرتو اصلاح عالمان دینی صورت خواهد گرفت و اصلاح عالمان دینی، راهی جز اصلاح حوزه‌های علمی ندارد؛ زیرا حوزه مصدر و نشأت‌گاه فکر و اندیشه و باور و منش و رفتار و گرایش و آرمان‌های عالمانی است که در حوزه رشد می‌یابند و برای نشر اسلام و توسعه‌ی دینداری به اقصی نقاط کشور، بلکه اقصی نقاط عالم هجرت کرده و به ایفای مسؤولیت می‌پردازند. بسیاری از باورهای غلط، آموزه‌ها، متش‌ها و گرایش‌های نادرستی که به صورت خرافه‌های اعتقادی و عملی در میان امت اسلامی دیده می‌شود، منشأ آن، کتاب، سخنرانی و یا مدیحه سرایی و مرثیه‌خوانی و موعظه‌گری فرد، یا افرادی است که جز پاره‌ای از مسائل را نیاموخته و با نگرشی سطحی به قرآن، روایات، مسائل عقیدتی همچون ولایت و امامت می‌نگرند. تکیه بر روایات ضعیف، منابع سست و غیرموثق تاریخی، عقاید افراطی و عوام پسند، داستان سرایی و نقل خواب‌های بی‌پایه برای اثبات عقاید، یا جذب قلوب به دین و محافل دینی، بهره‌گیری از روش‌های نادرست تبلیغی و بدعت‌گذاری در شعائر دینی، ترس از مبارزه با بدعت‌ها و خرافه‌ها و انحراف‌های عقیدتی، به ویژه در

ساحت بزرگداشت اهل بیت علیهم‌السلام به بهانه‌ی حفظ حرکت‌های عامیانه، افراطی و سطحی، در قلمرو اظهار دینداری، همه و همه، ابعادی از عوام‌زدگی خواص در برابر جریان عمومی و تمایل جمعی به جایگزین ساختن پوسته‌ها به جای گوهر و مغز دین و دینداری است که مبلغین حوزه‌ها باید برای آن چاره‌ای بیندیشند. مهم‌ترین بستر رشد خرافه و سطحی‌نگری در ساحت دین و اعتقادات و فرهنگ اجتماعی، جهل و ناآگاهی و فرصت‌طلبی و پایین‌آوردن حقیقت و مسخ آن در سطح رضایت عوام است.

مهم‌ترین بستر گرایش به خرافه، کوتاه بودن دست انسان‌ها از علم و حقیقت است. آن هم در عصری که خرافه‌ها در قالب بسته‌های فرهنگی مدرن از جهان پرجاذبه و دجال‌گونه‌ی هالیوود و دستگاه‌های تبلیغی و مؤسسات فرهنگی سلطه‌جو به سوی جوامع اسلامی سرازیر شده است!

انسان‌ها زمانی که حقیقت را نیابند به افسانه رو می‌آورند، خیال‌بافی می‌کنند و در این افسانه سرایی و خیال‌بافی، دو گروه عمده میدان‌داری و نقش‌آفرینی می‌کنند:

الف - سیاهی‌لشگری که از تفکر قوی، بینش و قدرت تحلیل مسائل بی‌بهره‌اند و جریان عمومی به هر سمت گرایش یابد، آنان نیز همراه آن می‌روند.
ب - گروه اندکی که خود اعتقادی به خرافه‌ها ندارند، اما از آن جا که منافع آنان در گرو رواج خرافه‌هاست، نه تنها با خرافه‌ها نمی‌ستیزند که آنها را ترویج نیز می‌کنند.

در آموزه‌های دینی از گروه اول به عنوان «همج رعاع» یاد شده که چونان انبوه مگس‌ان، در پی هر صدایی و هر بادی روانند. اینان از نور دانش بهره نمی‌گیرند و بر تکیه‌گاهی مطمئن و استوار، اعتماد نمی‌کنند (ر. ک: حرانی، ۱۳۹۸، ۱۶۳). از گروه دوم به عالمانی که از علم‌شان بهره‌ای ندارند به عنوان

حماری یاد شده که «یحمل اسفارا» است (ر.ک: جمعه، ۵).

تثبیت و تعمیق باورهای صحیح دینی

براساس آن چه گفته شد، نقش بسیار مؤثر حوزه‌ها در راستای توسعه‌ی دینداری، تصحیح و تثبیت باورها و اعتقادات دینی، برگرفته از اسلام ناب محمدی ﷺ در جامعه است. این امر مهم با ارتقاء سطح فهم و ادراک مردم از دین و با عملی ساختن برنامه‌های سعادت بخش دینی در جامعه صورت می‌پذیرد. زیرا حوزه‌ها مرجع و معیار شناخت حق از باطل، علم از جهل، فضائل از ردائل، صداقت از تزویر و نفاق، روشنایی از تاریکی و ظلمت هستند؛ بنابراین، حوزه تنها نهادی است که رسماً متکفل تبیین نحوه‌ی صحیح دین ورزی در درجه‌ی اول، نظارت بر شیوه‌ی دین‌داری مردم در درجه‌ی دوم و به دست دادن الگوی عملی تدین و ارائه‌ی نسخه پیاده شده‌ی حیات دینی در درجه‌ی سوم است.

نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه گذشت می‌توان چنین نتیجه گرفت:

حیات دین، به عنوان منبعی برای خلق ارزش‌ها، بستگی به میزان سرزندگی و حیات ارزش‌هایش دارد. دین مدعی است که حیات این جهانی و آن جهانی انسان را به گونه‌ی سامان‌دهی می‌کند که به بهترین شکل ممکن سعادت را برایش به ارمغان آورد. با توجه به فرض چنین جایگاهی برای دین طبیعی است که انتظار دینداران از کسانی که حاملان و مبلغان و منادیان دین هستند این است که بتوانند پاسخ‌گوی این سرزندگی و شادابی حیات دینی در جامعه‌ی خود باشند. در واقع این طراوت و شادابی حیات دینی در جامعه‌ی دیندار، خود بهترین عامل برای توسعه‌ی دینداری به شمار می‌آید.

بهره‌گیری از چنین پتانسیلی در حوزه‌ها، از منظر امام خمینی علیه السلام و مقام معظم

رهبری و شهید مطهری[ؒ]، بدون تلاش مضاعف علمی و داشتن برنامه‌های مدون و منسجم آموزشی - پژوهشی، تہذیبی و تبلیغی ممکن نیست.

زیرا اولاً، از یک سو، در این عصر، دین با مدعی قدرت‌مندی مواجه گردیده که هم مدعی انکار ارزش بودن ارزش‌های دینی است، هم خود دست به خلق ارزش‌های تازه زده است. این ارزش‌ها را می‌توان در توجه به عنصر انسانیت، دفاع از حقوق بشر، دموکراسی، رفاه و عدالت اجتماعی و آزادی و مسائلی از این قبیل یافت. از دیگر سو، برخی از این ارزش‌ها اکنون از چنان جایگاه و اهمیتی برخوردار شده‌اند که کم‌تر مورد تردید قرار می‌گیرند. در مقابل پاره‌ای از ارزش‌های دینی با این ارزش‌ها در تضاد قرار دارد. این تقابل، پرسش‌های بسیار جدی را در برابر ادعاهای ارزشی دین قرار داده است. از این رو، مواجهه با چالش‌های عصر جدید و پاسخ‌گویی به آنها نیازمند درک عمیق و عالمانه از محتوای دین و ارتباط وثیق با متون دین را به طور جدی طلب می‌کند.

ثانیاً، عالمان دینی به عنوان کسانی که به صورت مستقیم با این‌گونه تقابلهای سروکار دارند در معرض بیشترین آسیب‌ها قرار دارند. آن جایی که در صدد تلاش و کوشش در فهم دین پرنیامده و بر نگاهی عوامانه به دین بسنده کرده‌اند خود در دام تحجر و التقاط خواهند افتاد؛ زیرا نگاه عوامانه از دو حال خارج نیست یا نگاه جزم‌گرایانه است (چون در عوام دو ویژگی وجود دارد که هر دو به تحجر می‌انجامد؛ نخست، فقدان تحلیل درست و با تأنی قضایایی که بر ایشان عرضه می‌شود. دوم، تعصب به آنچه به ایشان آموخته می‌شود، که این دومی نیز از ثمرات ویژگی اول است) و یا به رفتارهای اباحه‌گرایانه و التقاطی منجر می‌شود که برخاسته از فقدان ایمان استوار به آن ارزش‌هایی است که خود باید مدافع آن ارزش‌ها باشند.

ثالثاً، از آن‌جا که دین با احساسات مردم مرتبط است و از مؤمن، علاوه بر

برخورداری از عنصر عقل، خواسته شده که به دین‌اش عشق نیز بورزد، عشق پایدار نخواهد ماند، مگر زمانی که عنصر صداقت در کنارش موجود باشد. عالمان دینی، چه آنها که به گفته‌های خود باور دارند و چه آنها که هنوز به این باور نرسیده‌اند، باید بدانند انتظار جامعه از آنان این است که رفتارشان مؤید گفتارشان باشد. از این رو، دوری از هوا و هوس‌های نفسانی و توجه به معنویات در برابر مادیات از جمله انتظاراتی است که امام خمینی ره و مقام معظم رهبری، همواره به شیوه‌های گوناگون برای تربیت یافتگان حوزه‌ها مورد تأکید قرار داده‌اند.

منابع و مأخذ

- ۱) قرآن کریم (۱۳۷۴)، ترجمه‌ی عبدالمحمد آیتی، تهران، سروش.
- ۲) صحیفه نور (۱۳۶۹)، تهران، انتشارات سازمان مدارک فرهنگی.
- ۳) دشتی، محمد (۱۳۷۹)، ترجمه‌ی نهج البلاغه، قم، انتشارات پرهیزکار.
- ۴) امام خمینی ره (۱۳۷۸)، صحیفه امام، تهران، مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار.
- ۵) مطهری، مرتضی (۱۳۶۷)، سیری در سیره‌ی ائمه‌ی اطهار، تهران، انتشارات صدرا.
- ۶) مطهری، مرتضی (۱۳۷۷)، ده گفتار، تهران، انتشارات صدرا، چهاردهم.
- ۷) مطهری، مرتضی (۱۳۷۰)، ختم نبوت، تهران، انتشارات صدرا، ششم.
- ۸) مطهری، مرتضی (۱۳۶۴)، پیرامون انقلاب اسلامی، تهران، انتشارات صدرا.
- ۹) کاشانی، عزالدین محمود (۱۳۷۶)، مصباح الهدایة و مفتاح الکفایة، تصحیح جلال‌الدین همایی، تهران، نشر هما.
- ۱۰) کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۱ق)، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- ۱۱) مجلسی، محمد باقر (۱۴۱۲ق)، بحار الانوار، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- ۱۲) نوری، محدث (۱۴۰۸ق)، مستدرک الوسائل، قم، مؤسسه‌ی آل‌البیت.

- ۱۳) حرانی، علی بن الحسین (۱۳۹۸ق)، *تحف العقول*، به تصحیح علی اکبر غفاری، تهران، انتشارات اسلامی.
- ۱۴) کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۷۸)، *فروع کافی*، دارالکتب الاسلامیه.
- ۱۵) آمدی، عبدالواحد (۱۳۶۰)، *غررالحکم و دررالکلم*، تهران، جامعه.
- ۱۶) سایت رهبری، <http://www.khamenei.ir>.
- ۱۷) محمدی ری شهری، محمد (۱۳۷۵)، *میزان الحکمه*، قم، تحقیق و نشر دارالحديث.
- ۱۸) صدوق، ابن بابویه، محمد بن علی بن الحسین، (۱۴۰۴ق)، *عیون اخبار الرضا*، تحقیق حسین اعلمی، بیروت، مؤسسه‌ی الاعلمی للمطبوعات.

